



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در فصل یازدهم بود و عرض کردیم که برای بعضی از افراد از طرف شارع مقدس ترخیصی نسبت به خوردن روزه در نظر گرفته شده است، اول و دوم شیخ و شیخه بودند که گفتیم در صورت مشقت و حرج شدید و متعذر بودن روزه بر آنها واجب نیست و می توانند بخورند. صاحب عروه چند مطلب را در ضمن بحث مربوط به شیخ و شیخه مطرح کردند که دیروز بعضی از آنها را عرض کردیم من جمله اینکه این دونفر بعد از خوردن باید کفاره بدهند و گفتیم که صاحب عروه در هر دو صورت (مشقت شدید و متعذر بودن) کفاره را واجب می داند ولی ما و بسیاری از محشین و شراح عروه قائلیم که کفاره فقط در صورت مشقت و حرج شدید واجب است و در صورت تعذر و عدم قدرت اصلاً کفاره واجب نیست، و گفتیم که صحیحه محمدبن مسلم (خبر ۱ از باب ۱۵ از ابواب من یصح منه الصوم) نیز دلالت دارد بر اینکه کفاره بر کسی که اصلاً قدرت روزه گرفتن ندارد و متعذر است واجب نیست، این خلاصه ای از بحث دیروز بود که به عرضتان رسید. خوب و اما بحث دیگری که در اینجا مطرح است این است که مقدار کفاره چقدر باید باشد؟ آیا یک مدّ کافی است یا اینکه باید مدّین بدهد؟ نوعاً ذکر شده که کفاره یک مدّ است ولی در خبر ۲ از باب ۱۵ از ابواب من یصح منه الصوم گفته شده که باید مدّین کفاره بدهد و همین خبر باعث شده که در اینجا دو قول بوجود بیاید و عده ای بگویند یک مدّ کافی است و عده ای دیگر بگویند که مدّین کافی است. اخبار ما در اینجا متفاوت هستند و به چند دسته تقسیم می شوند، در بعضی از آنها با توجه به آیه ۱۸۴ از سوره بقره گفته شده؛ **فَدِيَّةُ طَعَامٍ مَسْكِينٍ** و دیگر مقدار خاصی ذکر نشده مثل خبر ۳ و ۷ و ۸ از باب ۱۵ از ابواب من یصح منه الصوم. در بعضی دیگر از اخبار گفته شده؛ **يَتَصَدَّقُ كُلُّ يَوْمٍ بِمَا**

يَجْزِي مِنْ طَعَامٍ، من جمله در خبر ۵ و ۹ از همین باب ۱۵. در بعضی دیگر از اخبار گفته شده؛ **مَدٌّ مِنْ طَعَامٍ**، من جمله خبر ۱ و ۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ از همین باب ۱۵، خوب بنابراین اگر ما باشیم و این چند طایفه از اخبار مطلب روشن است زیرا طایفه آخر (اخبار ۱ و ۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ از باب ۱۵) که در آن گفته؛ **مَدٌّ مِنْ طَعَامٍ** تفسیر طوایف دیگر از اخبار می باشند، منتهی در خبر ۲ از همین باب ۱۵ یعنی صحیحه محمدبن مسلم گفته شده؛ **و يَتَصَدَّقُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ بِمَدِّينٍ مِنْ طَعَامٍ**، البته خبر ۱ از همین باب ۱۵ نیز صحیحه و از محمدبن مسلم می باشد که در آن گفته شده؛ یک مدّ کافی است بنابراین ما باید بین این دو خبر صحیحه (۱ و ۲ از باب ۱۵) که هر دو از محمدبن مسلم نقل شده جمع کنیم. صاحب جواهر در ص ۶۱۳ از جلد ۱۷ جواهر در مورد جمع بین این دو خبر می فرمایند که؛ شیخ در تہذیب و مبسوط درباره جمع بین این دو خبر فرموده که اگر شیخ و شیخه و یا ذو العطاش قدرت دارند دو مدّ کفاره بدهند و اگر قدرت ندارند یک مدّ بدهند، البته این جمع تبرعی و بدون شاهد جمع می باشد منتهی از این جمع های تبرعی از شیخ زیاد نقل شده، خوب و اما همین شیخ در استبصار طور دیگری جمع کرده و گفته که یک مدّ واجب است و دو مدّ مستحب است زیرا امر دائر بین أقلّ و اکثر است و هرکجا که این چنین باشد أقلّ متیقّن و زائد مشکوک است لذا نسبت که آن زائد مشکوک اصل برائت جاری می کنیم، این کلام شیخ بود که خدمتتان عرض شد. خوب و اما بنده باید خدمتتان عرض کنم که ما در جمع بین اخبار اولاً باید ببینیم که از دو دسته اخباری که با هم تعارض دارند کدامش مورد عمل فقهای ما می باشد که در مانحن فیه فقهای ما به یک مدّ فتوی داده اند که بر این یک مدّ یک خبر صحیح هم دلالت دارد یعنی خبر ۱ از باب ۱۵ از ابواب من یصح منه الصوم که به عرضتان رسید، پس این خود یک مرجعی است برای کسانی که قائلند باید یک مدّ طعام کفاره بدهد، البته اخبار ۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ از باب ۱۵ نیز بر این مطلب (یک مدّ) دلالت دارند منتهی خبر ۶ مرسل است و اخبار ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ نیز ضعیف هستند و فقط خبر ۱ صحیحه می باشد. مطلب دومی که درباره جمع بین اخبار باید خدمتتان عرض کنم این است

که آیت الله العظمی آقای بروجردی (ره) در جمع بین اخبار مشی خاصی داشتند و آن این بود که وقتی از یک نفر دو خبر در یک موضوع ذکر شده بود ایشان بین آنها تعارض نمی انداختند و می گفتند که مثلاً محمد بن مسلم این مطلب را فقط یکدفعه از امام (ع) شنیده و دو دفعه نشنیده منتهی در نقل به دو صورت از او نقل شده (که همین مطلب باعث می شود که خبر از ظهور بیافتد)، در حالی که جمع بین خبرین در صورتی است که دو خبر متعارض از دو راوی مختلف نقل شده باشد که ما سعی داریم بین آن دو جمع کنیم و آخر الأمر اگر نتوانستیم بین آن دو جمع کنیم یکی را أخذ و دیگری را طرح می کنیم، بنابراین طبق مشی آقای بروجردی در فرض مذکور این دو خبر از ظهور می افتند و اخلال به آنها وارد می شود منتهی باهم تعارض نمی کنند و در این صورت ما می رویم سراغ اخبار دیگر که در آنها (اگر چه ضعیف هستند ولی چون مورد عمل فقهای ما هستند ضعفشان جبران می شود) گفته شده یک مد طعام کافی است، و اما صاحب عروة در اینجا فرموده اند؛ **بدل کل یوم بمد من طعام والأحوط مدان**، که احتیاط هم در اینجا احتیاط مستحبی می باشد. خوب مطلب دیگری که باید از آن بحث شود و صاحب عروة هم به آن اشاره کرده این است که ایشان در عروة فرموده اند؛ **و الأفضل کونهما من حنطة**، دلیل این فرمایش صاحب عروة خبری است که در آن حنطة گفته شده یعنی خبر ۴ از باب ۱۵ از ابواب من یصح منه الصوم، البته این خبر ضعیف است و جامع شرایط حجیت نمی باشد لذا باید یک مد طعام بدهد ولی بخاطر اینکه این خبر را طرح نکنیم می گوئیم که افضل آن است که یک مد طعام از حنطة بدهد. خوب و اما آخرین مطلبی که صاحب عروة در مورد شیخ و شیخه مطرح می کند آن است که؛ **و الأقوی وجوب القضاء علیهما لو تمکنا بعد ذلك**، کسانی که گفته اند قضا واجب است دلیلشان أدله دال بر وجوب قضا مثل؛ **إقضى ما فات كما فات** می باشد، البته تمسک به این أدله در ما نحن فیه بسیار مشکل است زیرا این أدله مربوط به کسانی که **فات منه شیء** می باشد در حالی که ما نحن فیه لم یفت منه شیء می باشد زیرا اصلاً مکلف نبوده و صوم بر او واجب نبوده، بنابراین استدلال به این أدله برای

ثبوت وجوب قضا از نظر ما مردود می باشد و اکثر محشین و شراح عروه نیز همین حرف ما را می زنند، بعلاوه صحیحه محمد بن مسلم (خبر ۱ از باب ۱۵ از ابواب من یصح منه الصوم) نیز تصریح دارد به اینکه قضا لازم نیست. خوب و اما دلیل ما بر عدم وجوب قضا اولاً؛ همان آیه ای است که قبلاً خواندیم ۱۸۴ بقره) و دوماً؛ صحیحه محمد بن مسلم (خبر ۱ از باب ۱۵) و سوماً؛ خبر ۳ از باب ۱۰ از ابواب صوم المندوب می باشد، خبر این است: **« محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد، عن فضالة عن داود بن فرقد عن أبيه عن أبي عبدالله (ع) - فی حدیث - فیمن ترک صوم أيام فی کل شهر، فقال: إن كان من مرض، فإذا برأ فلیقضیه، و إن كان من کبر أو عطش فبدل کل یوم مدّ ».** هر چند که در این خبر از صوم رمضان نامی برده نشده ولی بعضی ها به این خبر نیز برای عدم وجوب قضا برای شیخ و شیخه استدلال کرده اند. خوب بحث مربوط به شیخ و شیخه تمام شد فقط صاحب جواهر یک مطلبی را در این رابطه ذکر کرده اند، ایشان در ص ۶۲۲ از جلد ۱۷ جواهر فرموده اند؛ اینکه گفته شده شیخ و شیخه می توانند با تحصیل شرایطی روزه بگیرند از باب عزيمة و تکلیف است (یعنی نباید بگیرند) نه از باب رخصة و اجازه، برخلاف صاحب عروه که قائل است که از باب رخصة (یعنی اگر نتوانست بگیرد می تواند اجازه دارد که نگیرد) می باشد، مثلاً ما شیعیان قائلیم که صوم در سفر عزيمة است یعنی اصلاً تکلیف به صوم نداریم و نباید روزه بگیریم ولی سنی ها قائلند که صوم در مسافرت رخصة است یعنی انسان مخیر است که بخورد و یا روزه بگیرد، بعد صاحب جواهر در ادامه کلامشان می فرمایند که فقط صاحب حدائق قائل است که شیخ و شیخه اگر بخواهند می توانند روزه بگیرند (حدائق ص ۴۲۰ جلد ۱۳ طبع جدید) که البته صاحب جواهر حرف ایشان را رد می کند.

الثالث: من به داء العطش فإنه یفطر سواء كان بحیث لا یقدر علی الصبر أو كان فیه مشقة و یجب علیه التصدق بمدّ والأحوط مدان من غیر فرق بین ما إذا كان مرجو الزوال أم لا، والأحوط بل الأقوی وجوب القضاء علیه إذا تمکن بعد ذلك كما أن الأحوط أن یقتصر علی مقدار الضرورة. عمده دلیل درباره ذوالعطاش نیز

مربوط به ذوالعطاش یعنی کسی که مرض عطش دارد نیست بلکه مثل خبر قبلی مربوط کسانی است که سالم هستند و هیچگونه مرضی ندارند منتهی به خاطر وجود علتی مثل گرمای شدید در تابستان دچار عطش شدید شده اند به صورتی که اگر آب نخورند هلاک خواهند شد لذا به این خبر هم نمی توانیم برای ذوالعطاش استدلال کنیم

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

همان صحیحه محمد بن مسلم یعنی خبر ۱ از باب ۱۵ از ابواب من یصح منه الصوم می باشد و کفاره اش هم همان یک مدّ طعام می باشد البته والأحوط مدّان . در اینجا نیز صاحب عروه فرموده اند ؛ والأحوط بل الأقوی وجوب القضاء علیه إذا تمکن بعد ذلك ، که البته بیشتر محشین عروه به الأقوی اشکال کرده اند . خوب صاحب عروه در آخر کلامشان درباره ذوالعطاش فرموده اند ؛ الأحوط أن یقتصر علی مقدار الضرورة : أحوط این است که ذوالعطاش فقط به مقدار ضرورت یعنی به اندازه ای که عطش شدیدی رفع شود و حرج و مشقتش از بین برود باید آب بخورد نه اینکه خودش را سیراب کند ، و دلیل این مطلب هم دو خبری است که در باب ۱۶ از ابواب من یصح منه الصوم ذکر شده است ، خبر ۱ از باب ۱۶ این خبر است : « محمد بن یعقوب عن أحمد بن إدريس و غیره عن محمد بن أحمد عن أحمد بن الحسن عن عمرو بن سعید عن مصدق بن صدقة عن عمّار عن أبي عبدالله (ع) فی الرجل یصیبه العطاش حتی یخاف علی نفسه ، قال : یشرّب بقدر ما یمسک به رmqه ولا یشرّب حتی یروی » . اولاً به علت وجود افراد فطحی المذهب در سند خبر موثق می باشد ، و ثانیاً در تهذیب و فقیه گفته شده یصیبه العطش ولی همانطور که می بینید در اینجا گفته شده یصیبه العطاش و این کلمه خیلی مهم است تا اینکه بفهمیم مراد از این خبر ذوالعطاش است یا نه ، ذوالعطاش کسی است که به خاطر مرضی که دارد حتماً باید هر چند ساعت یکبار آب بخورد ، اما گاهی انسان سالم است و مرضی ندارد منتهی فرض کنید که مثلاً در تابستان به علت گرمای شدید دچار عطش شدید شده به طوری که اگر آب نخورد از بین خواهد رفت که این روایت به این شخص اشاره دارد در صورتی که بحث ما در ذوالعطاش است لذا نمی توانیم به این روایت برای ذوالعطاش استدلال کنیم .

خبر بعدی خبر ۲ از همین باب ۱۶ می باشد ، خبر این است : « وعن علی بن إبراهیم عن أیبه عن إسماعیل بن مرار عن یونس عن المفضل بن عمر قال : قلت لأبی عبدالله (ع) إن لنا فتیات و شباناً لا یقدرون علی الصیام من شدّة ما یصیبهن من العطش؟ قال : فلیشرّبوا بقدر ما تروی به نفوسهم و ما یحذرون » . این خبر هم